

مرکز فرماندهی  
مساعادت بین المللی برای امنیت (آیساف)  
کابل افغانستان  
رهنمود ضد شورشی فرمانده آیساف ( ۱ )  
ماموریت ما حفاظت مردم است

جنگ با تحریک مردم ، نه با منهدم کردن دشمن به پیروزی میرسد.  
آیساف زمانی به موفقیت دست می یابد که دولت جمهوری اسلامی افغانستان از حمایت مردم برخوردار شود.

ماموریت آیساف کمک به دولت جمهوری اسلامی افغانستان است تا شورشی که این کشور را تهدید میکند شکست دهد. حفاظت از مردم افغانستان ماموریت ماست.

مردم افغانستان تصمیم گیرنده اند که کی برنده این جنگ خواهد بود، و ما (دولت جمهوری اسلامی افغانستان و آیساف) در تلاش برای بدست آوردن حمایت آنهائیم.  
برای بدست آوردن و حفظ حمایت آنان بایست هر عمل مان را با آنها در میان بگذاریم.

در واقع، ما و شورشیان مشاجره ای را برای آینده به پیشگاه مردم افغانستان می بریم. آنها تصمیم خواهند گرفت که کدامین استدلال، جالب، قانع کننده و قرین به موفقیت است.  
افغانها نا همگون اند، آنها مختلطی از نژاد ها و اقوام با عنعنات قوی و احساس شدید به آزادی اند. این کشور در ظرف سی سال جنگ جراحات عمیقی برداشته است، شیرازه های اجتماعی آن به شدت صدمه دیده است.

ساختار عنعنوی و قبیله‌ای عاملانۀ توسط شورشیان تضعیف گردیده است و جمعیت های زیادی از هم پاشیده اند. ضعف دولت و فساد اداری اعتماد مردم را زایل ساخته است.

تقریباً حضور هشت ساله نیرو های بین المللی نتوانسته است نیاز ها و توقعات مردم را بر آورده سازد. مردم افغانستان بدبین اند و حمایت فعال شان را به هیچ جانبی بدون اعتقاد پیدا کردن به یک برنامه موفق ارائه نخواهند کرد.

ما نیاز به درک مردم افغانستان و دیدن قضایا از نگاه آنها داریم. خوف ، نا آمیدی و انتظارات آنها را بایست بیان کنیم. ما با محض کشتن شورشیان موفق نخواهیم شد. ما به افغانها یاری رسانیم تا از طریق ایجاد امنیت برای خود ، محفوظ بودن از روز گویی ها، خشونت و سوء استفاده برنده شوند؛ و کارکرد های ما بایست همراه با احترام به فرهنگ و مذهب آنان باشد. بدین مفهوم، ما بایست روش اندیشیدن و عمل کردن خود را تغییر دهیم. ما باید مردم را بطور فعال دخیل در امر موفقیت های جامعه ای شان بسازیم.

هر عمل ما بایست انعکاس دهنده این تغییر باشد: چگونگی روش معاشرت ما با مردم، چگونگی راندن و پرواز کردن، چگونگی گزمه نمودن و چگونگی استعمال قوه، چگونگی تمویل پروگرام ها و پروژه ها.

(۱). این رهنمود قابل تطبیق برای هر دو، عملیات ضدی شورشی و پروگرام های عاری سازی است.

یک گزمه ای آیساف با سرعت زیاد از داخل شهری میگذرد. آنها در وسط سرک می‌راندند و ترافیک شهر را مجبور به خارج شدن از سرک مینمودند، چند تن پیاده رو و عراده جات از سرک بیرون رانده شدند. یک عراده موتر از جاده جانبی نزدیک به چهار راهی شد، ماشین دار چلان مرمی های آتشی فیر کرد که در نتیجه داخل موترمقابل آتش گرفت.  
اندکی پس از آنکه موتر گزمه ای آیساف دور شد، جمعیتی زیادی اطراف موتر آتش گرفته را گرفتند، چند شورشی دیگر را در آنروز گزمه آیساف بوجود آورد؟

این کشور آنها است، و ما مهمان آنهایم.

قبل از هر عملی، بایست به پیامد ها و تاثیرات آن بر مردم دقیقاً بیاندیشیم، حضور ما برای همیاری و حفاظت است. امنیت ممکن است از طریق شلیک ویران کننده بدست نیاید، و حفاظت نیروی خودی شاید به مفهوم تماس و معاشرت بیشتر با مردم افغانستان باشد، نه کمتر.

**شورشیان چگونه عمل می کنند:** وظیفه ای ما بغرنج است و توسط دشمن تاریک

اندیش، خو پذیر و چند چهره تهدید میگردد. شورشگری همانند تهدید نظامی با قاعده نیست.

حمله شورشی بمفهوم یک تلاش ثانوی برای بی اعتماد ساختن دولت و تحریک حمله ای

متقابل غرض بیگانه ساختن مردم از دولت است. فساد و سوء

استفاده از قدرت توسط مامورین دولتی داعیه ای شورشیان را

تغذیه می کند. در اساس شورشیان متمرکز به فعالیت های

سیاسی و اجتماعی از ورای دود و غبار جنگ اند، بدست

آوردن اطلاعات و تحت کنترل در آوردن مردم بخاطر سلب

مشروعیت دولت هدف آنان است.

برای مقابله علیه استراتژی شورشیان، شیوه های مقابله با

آنان را باید شناخت. آنها با محیط سازش و آمیزش دارند، و

بر مردم از طریق تهدید و ترغیب اعمال نفوذ می نمایند. آنها

مدعی دفاع از فرهنگ و دین مردم در تبلیغات خود اند. آنها

به خصومت ها دامن میزنند و عادات و رسوم مردم را زیر

پا می گذارند.

در بعضی جاها، راه ها را در اختیار دارند، مالیات جمع

آوری می کنند و محاکم قلبی راسریعاً انجام میدهند. آنها

جوانان را به جنگ استخدام می کنند و هموای با ستم دیدگان

نشان میدهند. آنها از اشتباهات و اعمال نامناسب آیساف سوء

استفاده می برند تا داعیه ای خود را تقویت بخشند.

یک گروهان آیساف دچار مشکل عبور دادن عراده جات خود در یک منطقه ای تقریباً آرام بخاطر وجود درختان میوه شدند. بخاطر سهولت عبور، گروهان اقدام به قطع درختان میوه کرد، اکثر اهالی دهکده زنده گی شان وابسته به حاصل میوه جات بود. بعد از مدت کوتاه بمب های کنار جاده ای در عین مسیر مستمراً پیدا میشد.

**بازیچه دست آنها شدند:** یک نیروی نظامی طبیعتاً چنان تربیه شده اند تا به حملات دشمن

پاسخ متقابل و با قاعده دهد. این همانند حملات مکرر گاو اسپانیایی به پرده فریبده گاو باز

دربازی مشهور گاو بازی است. که در نتیجه توسط یک مخالف ضعیف پس از خسته شدن

کامل مغلوب میگردد.

چنین عکس العمل قابل پیشبینی است - عکس العمل طبیعی گاو در بازی مشهور اسپانیایی،

برخورد با قاعده عزیزی است، ولی چنین برخورد خودشکنی است. نخست، یک شورش با

تخریش و سایش شکست پذیر نیست، ذخیره انسانی جنگجویان و حتی رهبری آنان بطور موثر

لا انتها است. تقریباً هفتاد و پنج فیصد نفوس افغانستان زیر سن بیست و پنج سال قرار دارند.

بیکاری همه گر، بیسوادی، بی باوری گسترده ای سیاسی و اقتصادی زمینه های مساعدی

برای جذب و نفوذ شورشگری است.

پیوند های پیچیده ای قومی، قبیله ای و خانواده گی در افغانستان محاسبه ای تلفات را معکوس

ساخته است، قاعدتاً از بین بردن دو شورش از یک گروه ده نفری هشت شورش را باقی

می گذارد  $10 - 2 = 8$ . از نظر شورشگران، دو نفر کشته شده دارای روابطی اند که خواهان

انتقام اند. در صورت تلفات افراد ملکی تعداد انتقام جو شدیداً بالا میرود. بناءً مرگ دو نفر

باعث جذب بیشتر میگردد. بناءً  $10 - 2 = 20$  یا بیشتر بعوض 8 است. چنین است که هشت

سال عملیات موفق نتیجه ای جز ازدیاد خشونت نداشته است.

محاسبه فوق مخالف تئوری تخریش است. ولی هر گز به این مغموم نخواهد بود که ما از

جنگیدن شانه خالی میکنیم، ولی بایدبیشتر از منهدم کردن و یا به اسارت گرفتن عمل کنیم.

یکی از اعضای آیساف و همکار افغان آن در یکی از جرگه های قریه ای که قبلاً مخاصم بود شرکت کردند. تقریباً ۵۰۰ نفر بشمول جنگجویان قبلی در جرگه حضور داشتند. تقریباً تمام ساکنین قریه شرکت داشتند. قطعه ای آیساف تقریباً ماه ها برای تامین ارتباط با مردم میکوشیدند. بمجرد اینکه این ارتباط به اعتماد تبدیل شد و پروژه های محلی، کاریابی و بهبود در سطح زنده گی مردم آغاز گردید. موسفیدان قریه دعوت به یک جلسه را پیشنهاد نمودند. در جریان جرگه دو شورشی بر لیست نظارت آیساف آتش گشودند، آنها می دانستند که این جرگه به زیان شان است. سرباز جوان که مسؤولیت نگهبانی را داشت برای افراد خود دستور داد تا پاسخ آتش دشمن را ندهند. سرباز جوان میدانست که پاسخ دادن به فیر های دو شورشی یک عکس العمل بی مورد است و هدف شورشیان بر هم

دوم: عمل نظامی با قاعده علیه شورشگران مقدار عظیمی از منابع را در بدل دست آوردن موفعیت ناچیز ضایع میسازد و معمولاً به بیزاری مردم که ما خواهان حفاظت آن هائیم

منجر میشود. عملیات بزرگ نظامی برای نابودی و دستگیری شبیه نظامیان خطر بزرگ تلفات افراد ملکی و عوارض جانبی را به همراه دارد. اگر غیر نظامی در تقاطع آتش، مهم نیست که کی عامل اصلی است، تلف گردد، ما ناکام از حفاظت او بوده ایم. تخریب خانه و یا امواک مردم برهم زدن زندگی تمام خانواده است و شورشگران بیشتر خلق میکنند. این خود کفن خود دوختن است.

بهر حال، عملیات مختل کننده در صورتیکه مردم در تحت نفوذ و کنترول شورشیان قرار دارند و تاثیرات جانبی عملیات در بهترین صورت کوتاه مدت است، اجتناب ناپذیر می باشد.

سرزدن های گهگاهی، برای چند ساعت و یا چند روز، بخاطر کشف و یا جستجوی دشمن و بعداً عقب نشینی مفیدیت چندانی ندارد و حتی شاید هم مضر باشد.

شورشیان بومی میتواند بساده گی مخفی شوند و مردم در دو دلی باقی میمانند. به محض غریمت ما، شورشیان دوباره ظهور می کنند و زنده گی مردم

در تحت کنترول و نفوذ شورشیان از سر گرفته میشود. این نوع عملیات ها نه تنها موثر نیستند بلکه حتی مضر هم میباشند. انجام چنین عملیات های به تامین ارتباط با مردم منجر نمیگردد و این کمکی به افغانها برای حل مشکل شان توسط خود آنان نیست.

**سخن کوتاه،** ناکامی نتیجه محض احمق بودن و بیکاره بودن نیست، به بیراهه رفتن نیز منجر به ناکامی می گردد.

تغییر دادن پیشینه های فکری: برای کسب موفقیت بایست دگرگونه اندیشید و عمل کرد. رضایت مردم هدف ماست. عمل (تعرضی) موثر علیه شورشگری ربودن چیزی از شورشیان است که آنها نمیتوانند آنرا از دست بدهند، یعنی کنترول بر روی مردم. ما باید بر عمل تعرضی ضد شورشگری بیندیشیم که تنها از بین بردن ملیشیا ها هدف نباشد، بلکه هدف کسب اعتماد مردم و محروم ساختن شورشیان از نفوذ و دسترسی بمردم باشد.

دائر کردن جرگه های متداوم با رهبران اهالی و جمعیت ها، ایجاد و تحکیم اعتماد و حل مشکلات آنان یک عملیات تعرضی موثر است. همچنان ایجاد پروژه ها و برنامه های کاریابی میتواند مردم را بهم نزدیک بسازد و نیاز های شان را رفع سازد.

اساساً "مختل" کردن شورشیان وظیفه اصلی نیست. علیه شورشگری بمفهوم یک داعیه، غرض کسب حمایت مردم بیندیشید. این یک مسابقه ای است برای تاثیر بر روی محاسبات عملی مردم که کدام جانب را حمایت خواهند کرد. هر عمل، عکس العمل، پاسخ دادن، ندادن و همه آنچه گفته و انجام یافته است آحاد این داعیه بشمار میرود. مردم ناظر اند، می بیند، می شنوند و سر انجام انتخاب عاقلانه خود را که کی میتواند آنها را حفاظت کند می نمایند. رفع نیازمندی های آنان، احترام به عزت و منطقه ای شان، پیش کش کردن فرصت های خوب برای آینده ای شان بسیار مهم است. ایدیالوژی تاثیر گذارد بر نتیجه است، ولی تابع روند عملی حیات و زنده گی روزمره می باشد.

با کسب حمایت مردم جنگ به پیروزی میرسد، بدون در نظر داشت تعداد کشته شده گان و دستگیر شده گان شورشیان.

ما باید با ارائه گزینه قانع کننده داعیه ای شورشیان را فاقد اعتبار بسازیم. استدلال ما باید از طریق انطباق حرف و عمل مکالمه گردد. که ما و دولت جمهوری اسلامی افغانستان توان و تعهد آنرا داریم تا از مردم حفاظت و حمایت نمایم. همراه با هم، ما بایست سیستم عدلی معتمد و مستمر و رفاه عامه را برای مردم جنگ زده و نا امید مهیا سازیم. ما باید احساس ترس و تردید را به اعتماد و اطمینان تبدیل نمائیم.

بناء برای آنکه موثر بود، ما ناگزیر از مساعدت به تغیر مناطق ایم، تا مردم در عوض ویرانی علاقه مند به آبادی و حفاظت از قراء و قصبات خود گردند. اتخاذ برنامه و مشوق های اقتصادی، تشکیل جرگه ها با رهبران قرا و قصبات زمینه کار برای جوانان، ایجاد شیوه های صلح آمیز حل معضلات، میتواند یک بدیل مناسب محلی علیه شورشیان باشد. در عین حال نداشتن اینک دشمن معمولاً ناظر بکار برد وقت و انرژی ماست، ساده دلانه است. مخصوصاً در زمانیکه فعل و انفعالات زیادی در مناطق که " دولت سایه ای" بر مردم اعمال نفوذ می

یک واحد آیساف معمولاً از نزدیکی قریه ای مورد حمله راکت قرار میگرفتند. فرمانده واحد در عوض حمله به قریه مذکور تصمیم گرفت تا دلیل این خصومت را بداند و با اهالی قریه آشنا شود. قوماندان واحد اردوی ملی افغانستان پیشنهاد گزمه در اطراف قریه توسط نیرو های اردوی ملی و درک بهتر نسبت به قریه مذکور داد. افراد گزمه دریافتند که مردم کینه از یک حمله شبانه در دو سال پیش دارند. علاوه آنها دریافتند که مردم علاقه ای بسیاری به مکتب خود دارند، ولی مکتب شان هیچگونه وسایل درسی ندارند. چند روز بعد، قوماندان یک گزمه دیگر را با یک بار موثر وسایل تعلیمی به قریه فرستاد. روز بعد، موسفیدان قریه به قطعه آمدند تا با قوماندان افغان و آیساف ملاقات کنند. آنها صد تشکر نامه از طرف اطفال را با خود آوردند و تقدیم کردند. متعاقباً چندین پروژه های انکشافی با موسفیدان برنامه ریزی شد. پروژه ایکه آنها خود مالک آنند. حملات راکتی توقف یافت.

کنند در جریان است.

واضحاً، غرض نا متعادل ساختن شورشیان، عملیات دقیق، انتقال جنگ در پناه گاه های دشمن و ایجاد مانع از نفوذ شورشیان بر مردم نقش خود را دارد، این عملیات مهم، ولی در نفس خود تعیین کننده نیستند. این گونه عملیات زمانی میتواند موثر واقع شود که شورشیان از مردم تجرید شده باشند، جای میان مردم نداشته باشند. از مخفی گاه های دور افتاده خود حملات نمایند. ایجاد چنین شرایطی ممکن است بعد از سالها مهیا گردد، ولی میتواند نتیجه ای خورد کننده، نه فرار کننده به بار آورد.

نگهداشتن تعادل متداوم حیاتی است، و هیچ نوع فورمولی در این مورد وجود ندارد. تهییج قراء و قصبات برای شرکت فعال در تامین امنیت، ثبات و موفقیت در سطح قریه و دهکده معمای است در یک جنگ ضد شورش - ایجاد شرایطی که نفوذ شورشیان را برای ابد خاتمه بخشد.

بایست مردم، محیط زیست و آرزو های آنان را شناخت و همراه با آنان به رفع نیازمندی های شان پرداخت. نود و پنج فیصد انرژی، ما متمرکز بر نود و پنج فیصد جمعیتی شود که سزاوار آن اند و به مدد ما نیازمند اند. چنین میتوان شورشیان را منفرد ساخت. علیه پنج فیصد دیگر شورشیان، در صورتی نیاز در شرایط متقاضی دست بعمل زد. نباید گذاشت که شورشیان ما را از مسؤولیت مان منحرف سازد.

نزدیک شدن با مردم بایست با مردم پیوند بر قرار کرد و این پیوند را به جانشینان منتقل کرد. فرهنگ افغانها بر بنیاد رابطه ای فردی - شخصی استوار است. کسب اعتماد مردم بخش عمده ای ماموریت ماست.

با رهبران قبایل، دهکده ها و رهبران مذهبی رابطه ایجاد کرد. موفقیت در گرو مصاحبت، یاری و همکاری با محرومین، تهییدستان و ناراضیان است. با آنها نزدیک شد و آنها را جز خود ساخت. باید فهمید که رنج محنت و مشکلات نا آرامی می آفریند و بر رفع آنان

تیم تربیه پولیس معتقد بود که رئیس پولیس ولسوالی فاسد است، و بعد از کوشش های مکرر برای اصلاح سازی، تیم تصمیم گرفت تا دوسیه ای پولیس فاسد را تکمیل و به مقامات ولایت ارجاع دهد. مقامات ولایت مسئله را تحقیق و به حقانیت قضیه پی بردند. ولایت رئیس فاسد را تبدیل و عوض آن یک نفر صادق و کوشا را مقرر نمود، و پولیس معزول را به خارنوالی معرفی کرد. بر رغم اینکه هفته ها در برگرفت تا قضیه مراحل خود را طی کند. مگر تیم تربیه پولیس تصمیم درست اتخاذ کرد تا بتواند مردم را از شر یک مسؤل فاسد نجات دهد.

دست بعمل شد. به مسائل اطفال و شاگردان باید پرداخت و از مسؤلین نیروهای امنیت ملی افغانستان و همچنان دولت جمهوری اسلامی افغانستان مصرانه درخواست کرد تا به این امور بپردازند و طریق پرداختن به این امور را به آنها اموخت.

با استفاده از تماس و روابط تان با مسؤلین نیرو های امنیت ملی افغانستان، دولت جمهوری اسلامی افغانستان به اوضاع ناحیه ها و مناطق تخصص یابید. با مناطق همجوار آشنائی پیدا کنید. دهاقین موفق و راز موفقیت شان را بشناسید. تجریدشدگان و دلایل آنرا شناسائی کنید، خانواده های با نفوذ و روابط خویشاوندی شان را بشناسید. بایست یک قوه مثبت در جامعه بود، و آسیب رسیدن به مردم را سبب ششاید. امنیت و سلامتی را دایه شوید تا مردم بتوانند در فضای صلح کار و خانواده شان را پرورش دهند. محتاطانه خطر و اطمینان را ارزیابی کنید. داشتن قوای محافظتی بیش از حد، ایجادگر فاصله میان شما و مردم است و الهام بخش نمی باشد.

برخورد های تان را مطابق به این تصور عیار کنید که گویا یک ارتش بیگانه در شهر و کوچه شما در میان خانواده و اطفال شما حضور داشته باشد. چگونه عراده

جات تان را میرانید. چگونه لباس میپوشید. چگونه ژست و قیافه می گیرید. با کی به نهار میروید، با چه شجاعتی به جنگ میروید و چگونه به غم و یا شادی مردم برخورد می کنید. این همه بخش از داعیه و بحث است..

این داعیه را باید برد. کمک های اقتصادی و انکشاف محلی را وسیله قرار داده رهبران محلی و مردم را برای کامیابی خودشان گرد هم آورید. شریک شنوا و پذیرا باشید. ظرفیت و مالکیت محلی باید ایجاد کرد. همراه با رهبران مشروع دولت جمهوری اسلامی افغانستان، مسائل محلی را از طریق شورا های محلی حل کرد، شورا های محلی مالک و صاحب راه حل های خود اند و این مالیکت را باید پرورش داده مطابق ضرب المثل افغانی (اگر برای چیزی عرق ریختی، از آن حفاظت میکنی)

در تمام قدم شریک نیرو های امنیت ملی افغانستان. وظیفه ما مسؤل دانستن آنها برای انجام خدمات برای مردم افغانستان و حفاظت مردم از آسیب دیدن است. توانمند ساختن آنان تا بتوانند کشور شان را محفوظ نگهدارند. پرورش حس از خود دانستن - موفقیت آنها موفقیت ما است. با هم باید زندگی و تمرین کرد. با هم پلان و عمل نمود. دهل جنگ و اطلاعات را با هم شریک شد، سیستم سوق و اداره را با باهم مدغم کرد. و آنها را سکاندار ساخت و کمک کرد. حتی پیش از آنکه آنها خود را آماده احساس کنند، تا سرحد کمال آنها را تربیه کرد. مطمئناً از سرعت به کمال رسیدن آنها متعجب خواهی شد.

ایجاد ظرفیت دولتمداری و حسابرسی: انکشاف و توسعه بخشیدن یک حکومت خوب و وظیفه ای همگان است. توانمندی و حسابرسی را در تمام سطوح، تا سرحد قرا و قصبات باید ایجاد کرد. رهبران خدمتگذار به مردم افغان را ترفیع و ترقی بخشید. صلاحیت را به اهل کفایت - آنها که غمخوار و معتقد به مردم اند واگذار کنید. با بصیرت فرق و تشخیص کنید. در مقابل مامورین خود خواه که ثروت و قدرت را در احضار خود در میآورند و از اعتماد مردم سوء استفاده می کنند، مقابله کنید. همراه با همتا های افغانی تان بایست مشوق ها و راه کار های جدیدی را تشخیص دهید که بتواند عادت را تغیر دهد، و از رهبران افغان تقاضای عکس العمل مناسب علیه مامورین فاسد و مسؤل شناختن آنان نماید. نادیده گرفتن و یا وا

گذشتن مامورین که مسؤولیت های شان را انجام نمیدهند، خود را شریک جرم آنها ساختن است. حفاظت از مردم تنها بمفهوم حفاظت فزیکتی آنان از آسیب دیدن جسمانی نیست، بلکه بمفهوم حفاظت مردم از فساد و سوء اسفاده ای قدرت از آنان نیز می باشد.

روز به روز بهتر شدن: برای آوردن ثبات در منطقه ای تان باید وارد عمل شد. خوپذیری، شکل بخشیدن به ماحول و پیرامون خود و روش های موثر بودن با رهبران مردم را باید آموخت. به همقطاران افغانی خود گوش دهید، با مردم صحبت کنید، و اینکه چگونه میتوانیم آنها را به رسیدن به آرزو های شان کمک شویم جویا شوید. به داستان های آنها و هر آنچه آنها می خواهند بآتو درمیان بگذارند گوش دهید. نه تنها شما اجازه دارید، در واقع این مسؤولیت شما ست تا مطابق به اهداف این دستور نامه به شرایط محل خود را انطباق دهید.

مخابرات متداوم: افکار و اطلاعات مهم را باید سریعاً باهم درمیان گذاشت. روش های متداول را که مفید و منطبق به اوضاع نیست به چالش گرفت. این جنگ ادراک است. باید هوشیار به تغییر اوضاع و انطباق دشمن با آنان بود. احساس آرامش تو شاید بمفهوم جلو بودن دشمن از توست. برای کامیابی باید استراتژی دشمن را دانست و از پیرزی و شکست ان آموخت، همچنان از پیروزی و شکست خود نیز. سریعتر از آنکه دشمن خود را عیار کند، باید خود را آماده ساخت.

ما (دولت جمهوری اسلامی افغانستان و آیساف) از طریق تبدیل ساختن محیط پیرامون، تامین امنیت محلات پیوند دادن یک حکومت با اعتبار و مسؤول با مردم و رهبران آنان و مهیا ساختن گزینه ای قابل پذیرش برای مردم علیه شورشیان پیروز خواهیم شد.

مردم در این مسابقه به نفع دولت جمهوری اسلامی افغانستان تصمیم خواهند گرفت.

مایکل ها  
فرمانده سربازان ایالات متحده امریکا  
قوای ایالات متحده امریکا –  
نیرو های کمک بین المللی برای

جنرال ستانلی . آ، مک کرسئل  
قومندان اردوی امریکا  
قوای اردوی امریکا – افغانستان  
افغانستان  
نیرو های کمک بین المللی برای امنیت در افغانستان  
امنیت افغانستان

نکات اساسی: رهنمود ضد شورشی آیساف:

هدف مردم افغانستان است، حفاظت آنان مسؤولیت ماست. متمرکز ساختن نود و پنج فیصد وقت برای تامین روابط با مردم و همرا با دولت افغانستان به نیاز مندی های مردم رسیده گی کردن.

اندیشیدن به شیوه های قدیم و رایج را بدور انداخت، متمرکز به امور مردم بود نه ملیشه ها. اعتماد مردم را بدست آورد و با کمک به یک دولت مسؤول جمهوری اسلامی افغانستان حمایت انها را کمائی کرد، بدین ترتیب چیزی را از دشمن می گیرید که آنها نمیتوانند آنرا از دست دهند، در اختیار و کنترل داشتن مردم.

### نزدیک شدن با مردم:

اندیشیدن قبل از عمل کردن. تاثیر اعمال خود را دانستن: چگونگی راندن عراده جات، شیوه ای گزیده، نحو ارتباط با مردم و روش مساعدت قراء و قصابات. اعمال تان را از عینک افغانها نظارت کنید. اگر افغانهای غیر نظامی از ما صدمه و آسیب ببینند، ما تخم شکست مان را خود کاشته ایم.

### باید متخصص اوضاع محل بود. ارتباط تامین کرد و جرگه های منظم دائیر نمود.

فرهنگ افغانستان بر اساس ارتباط شخصی بنیاد شده است. به توده های مردم گوش داد و مطابق آن خود را عیار کرد. اعتماد آنها را کمائی کرد. آنها را مالک راه حل ها ساخت. آنها از چیزی که به آن عرق ریخته اند، دفاع خواهند کرد.

• یک نیروی مردم مثبت در محلات باشد، سپر در مقابل آسیب برای مردم و ثبات را دایه شوید. با استفاده از برنامه های اقتصادی محلی، شغل یابی را از دیداد بخشید و گزینه ای دیگر برای جوانان به غیر از شورشگری دهید، از پروژه های CERP, CIMIC و دیگر پروژه های توانمندی، تقاضای کمک نمایند. به افغانها کمک کنید تا خود مشکل شان را حل کنند.

### • شراکت با نیرو های امنیت ملی افغانستان ANSF:

یکجا باهم زنده گی، خوراک و تمرین نماید، به همدیگر تکیه کنید، و همدیگر را مسؤول بدانید - در تمام سلسله مراتب تا سرحد عساکر پائین رتبه. آنها را یک شریک مساوی در تمام موفقیت ها حساب کنید.

موفقیت آنها، هدف ماست. به آنها احترام بگذارید، و بر انها نقش رهبری قایل و رهنمائی کنید تا به کمال برسند.

### • ایجاد ظرفیت دولتمداری و مسؤولیت پذیری

برای یک حکومت شفاف و مسؤول در تمام سطوح - ملی تا محلی سهولت و قابلیت ایجاد کنید. خدمت مامورین دولتی برای مردم را تاکید کنید. و از آنها که می کنند حمایت نمایند. با مامورین فاسد مقابله کنید. حفاظت مردم نیازمند حفاظت از صدمه جسمی همچنان حفاظت از فساد اداری و حفاظت از سؤاستفاده از قدرت است. همراه با همتایان افغانی خود، رفتار مامورین فاسد را باید تغیر داد که تاثیر منفی بر مردم و هدف مان دارد. در صورتیکه مامورین فاسد رفتار خود را تغیر ندهد، از مقامات بالاتر تقاضای عمل متناسب نمایند.

### بهبتر شدن روزمره

- بیاموزید و با محیط تطابق نماید، در قابلیت تان دقیق و هر روزه بهتر شوید.
- شکل دادن محیط و تاثیر گذاری بهتر و سریعتر بر مردم را بیاموزید. به همقطاران افغانی تان گوش دهید و از آنها بیاموزید.
- ایده ها را با هم مکالمه و شریک شوید. با روش های متداول که دیگر مفید نیستند مقابله کنید. این جنگ ذکاوت است، سریعتر از شورشگر بیاموزید و انطباق پیدا کنید.